

از افغانستان خارج گردیده بگذارند ملت ما بدون فشار خارجی سرنوشت خود را خودتعیین کند .

کلید حل معضله افغانستان و قوم‌سالده توقف جنگ و خونریزی در این کشور در دست روسهاست

اگر روسها بخواهند از تحمیل رژیم مزدور منصور گردیده ، قوای شان را از افغانستان بیرون بکشند ، هیچ چیزی و هیچ کسی مانع آنان نخواهد شد .

نمیدانیم چه اشکالی بر سر راه روسها وجود دارد که انسحاب قوای شان را از افغانستان دشوار میسازد . آیا نمیشود قوای بساقیمالده روس مسانند شش غنند قبلای خارج گردد؟ که بدون عقد قرارداد و اعلان آتش بس صورت گرفت . و روسها از احدی در این رابطه نخواستند تادر وازه های افغانستان را بر روی قطعات در حال خروج شان باز نموده ، امنیت راه ها را تأمین کند و به آتش بس تن دهد . اگر چنانچه روسها ادعا میکنند تشبثات مرئی و نا مرئی غرب در منطقه باعث تحریک روسها گردیده و اورا به ارسال قوای عسکری اش به افغانستان کشانده است ، که

منتج باین فاجعه بزرگ و خونین شد، باید بر عقل زمامداران کریمین اشک ریخت کس بجای مقابله معقول باتشبهات غرب به تجاوزی علیه کشور مامبادرت ورزید، کس همه دنیا آن را محکوم نموده.

لکه ننگی بردامن روس گردید. جنایتیکه تاریخ فراموش نخواهد کرد واحدی در دنیا آنرا نخواهد بخشید. مابه روس میگویم: مگر غرب ترا از دامن محکم گرفته و نمیکذارد از افغانستان خارج شوی؟! مگر غرب در برابر قطعات عسکری تودر افغانستان موانع خلق کرده و نمیکذارد که قوای روسی از افغانستان خارج شود؟!!

عجبترا اینکه داکتر نجیب ملت ما را مخاطب قرار داده، میگوید: بیائید آتش جنگ را خاموش کنیم، گذشته را فراموش نمائیم، جنگ یعنی سوختن در آتش، جنگ یعنی دوزخ، دوزخ جای گناهکاران است، خداوند بر جنگ لعنت میگوید، مصلح و آشتی را پیشنهاد میکنیم، کارگر فکر کن و باین سؤال من جواب بگو؟ که جنگ برای توجیه آورده است؟ پدر بگو! مادر بگو! اطفال بگوئید! کوهها و دره ها بگوئید! آیا شما به جنگ ضرورت دارید؟ ما که

صلح میخواهیم .

پس از هشت سال و هشت ماه ، امروز میگویند صلح میخواهیم ، از ملت صلح میخواهند ، به ملت پیشنهاد میکنند که جنگ را خاموش کنید و گذشته ها را فراموش نمایید ، من به جنرال نجیب میگویم همه اینها بر تجاوزگران جنگ افروز لعنت میفرستند ، همه صلح میخواهند ، همه منتظر اند ، امن و امان به کشورشان برگردد . ولی برای اعاده صلح و سلم چه چاره جز تداوم مقاومت در برابر نیروهای متجاوز و جنگجو وجود دارد ؟

از تو میپرسم ، به من بگو !

کارگر ، دهقان ، کسبه کار ، تجار ، متشبت خصوصی و سایر اقشار مردم در خاموش ساختن این جنگ تحمیلی که تجاوز قوای روس آتش آنرا افروخته است چه چاره جز مقاومت مسلحانه دارند ؟ مگر یتیمی که پدرش را روسها شهید ساخته اند ، بیوه ای که شوهرش قربانی تجاوز روسها شده است ، پدر پیر سال و مادر داغ دیده ای که فرزندش در جنگ به شهادت رسیده است ، کارگر و بزرگرمظلومی که خسانه محقر اش در نتیجه بمباریهای وحشیانه و انداختن های مسلسل توپ

وتسنگ و را کتهای زمین بزمین قوای روس بخاک یکسان شده است و همه کشورش به ویرانه خونین و هولناک تبدیل گردیده است اینها و همه کسانی که تومکاراله مخاطب قرار داده ، به صلح و آتش بس دعوت میکنی ، بمن بگو ! جز اینکه آه و فریاد بکشند ، به نیرو های سفاک و جانی دشمن و مزدوران فرومایه اش تنگ و نفرین بفرستند و با آنچه در اختیار دارند بر فرق دشمن بکوبند ، چه کاری دیگری را میتواند انجام دهند؟ تا این جنگ تحمیلی خاموش گردیده و روسها را از ادامه این همه کشتارها و ویرانگریها منصرف بسازد .

چرا به روس نمیگوئی که از کشور ما خارج شوند و از خونریزیها دست بردارند؟ چرا حمیت افغانی و عاطفه انسانیات از مشاهده این همه صحنه های دردناک و غم انگیز به حرکت نیاید ؟

در حالیکه مینگری قوای روس با مادر و طنت چه سلوکی روا میدارد ؟ با عزت ، ابرو و نابوس هموطنانت چه معامله یی انجام میدهند ؟

می بینی که دستهایشان تا از لچ بخون هم میبازانند

بیدفاعات سرخ است . هر روز دهها و صدها طفل، زن و مرد  
به شهادت میرسند، قریه ها ویران میگردد، مزارع و باغها  
بآتش کشیدم میشود . اماتو هموطنان افغانان را که برای  
آزادی کشور شان از تسلط اجانب میجنگند، مجرم ، باغی  
و جنگجو میشماری !!!

ولی بالای تانکهای روسی در حالیکه چاینهایش بخون  
شهدا سرخ است ، اکیلل گل میگذاری، به عساکر روسی  
در بدل کشتارهای بیرحمانه ای که در افغانستان مرتکب شده  
اند، مدال قهرمانی میدهی و از آنان سپاسگذاری میکنی !!!  
مگر تانکهای روسی بجای مرگ و ویرانی برای ملت ما چه  
حاصل دیگری تحویل کرده اند که بادیسته های گل رخصتش  
کرد ؟ ! مگر قوای روسی پکت نساتو را در درگیری میان  
دو ابر قدرت شکست داده اند که مستحق لقب قهرمانی و مدال  
شجاعت شمرده شوند ؟ !

در طرف دیگری جنرال نجیب به صلح دعوت مینماید،  
صلحیکه او به دستور روسها پیشنهاد میکند ، چنانست که:  
اول - جنگ علیه قوای متجاوز روسی متوقف شود .  
۲ - زیر سایه حکومت خلق و پرچم برخی از مخالفین رژیم

بایستهای در دولت اقناع گردیده ، در حکومت  
سهیم شوند .

زیرسایه حکومت حزب خلق و هر چه برخی از مخالفین  
نظام با دادن بایستهای در دولت اقناع شوند و در حکومت  
سهیم شوند .

۳ - قوای روس را آنگاه در کشور ما باقی باشد که دوام و بقای  
چنین حکومتی تضمین گردیده ، مردم سلاحشان را  
بر زمین بگذارند و احتمال قیام دوباره برای همیش  
منتفی شود .

۴ - در پایان امر قوای روسی در فرصت مناسبی که خود  
تعیین خواهند کرد با اطمینان خاطر از افغانستان  
خارج شود .

قوای روسی پس از اینکه از ادامه حکومت دلخواه شان  
در افغانستان مطمئن شدند در فرصت مناسبی که خود بعداً  
تعیین میکنند ، افغانستان را ترک میگویند .

شرائط عمده صلح نجیب که بدستور روسها پیشنهاد  
میکند ، چهار است .

از جنرال نجیب میپرسیم ، بمن بگو ! صلح و آتش

بس تو غیر از این چه معنی دیگری میتواند داشته باشد که ملت آزاد بخواه مبادر برابر آقای روسی تو و تفنگدارانش سر غلامی بم نموده، به اسارت تن دهد و سلاح را بر زمین بگذارد و سنگرهایش را که به خون «ا»، «ا» میلیون شهید سرخ است برای روسها تخلیه کند.

اساساً باید اعلان آتش بس از طرف روسها صورت بگیرد، نه نجیب بیچاره که اختیارات حکومتش همه در دست مستشاران روسی است

آتش بس و اوربند در برابر قوای روسی صرف در صورتی قابل طرح است که قوای روسی کشور ما را ترک بگویند و به سرزمین خود عودت کنند.

آتش بس در اثنای حضور نظامی روس در افغانستان بمعنای صحنه گذاشتن به اشغال این کشور است. به مفهوم مبارز ننگین است و معنی تسلیم شدن به دشمن است.

جنرال نجیب از باز کردن دروازه های زندان در برابر کسانی که اظهار ندامت کنند و به حکومت وی تعهد خدمت بپردازند، صحبت کرده است. در حالیکه امروز همه کشور ما به زندان وحشتناکی درآمده است، هر قشله عسکری

زندان است ، هر قریه منطقه محکوم زندان است ، هر دفتری  
 زندان است ، هر شهری زندان است ، همه در زندان اند .  
 تا روس در افغانستان است . همه کشور ما زندان است .

تاز مانیکه قسوی روس از کشور ما خارج نشده  
 است آفتاب آزادی طلوع نخواهد کرد و از لذت آزادی  
 برخوردار نخواهیم شد .

بهتر است حکومت دست نشاندیده روسها قبل از همه دروازه های  
 قطعات عسکری اردوی به اصطلاح افغانی را باز کند تا کسانی که ذریعه  
 قوای مهاجم روسی در اثنای محاصره قرای مناطق آزاد دستگیر گردیده  
 و با جبر و اکراه به بازگهای نظامی فرستاده شده اند و از آنجا  
 به جبهات جنگ سوق میشوند ، فرصت بیابند و به عزیزان  
 شان بر گردند . آنها نمیخواهند به جنگ با ملت خود  
 بپردازند . نمیخواهند خون برادران هموطن شان را بریزند ،  
 از لعنت جنگ به نفع اجانب و تحت قیادت اجانب نفرت  
 دارند .

ماین های ضد پرسونل اطراف پوسته های عسکری



را که غرض جلوگیری از فرار عساکر افغانی فرش کرده اید  
 خنثی کنید و عساکر زندانی مذکور را آزاد بگذارید تا دیده  
 شود که این افراد مظلوم و مجبور که چون اسیری محکومی  
 به جنگ اجباری سوق میشود ، تفنگش را بکدام طرف نشانه  
 میرو و در پهلوی چه کسی قرار میگیرد ، آیا فرار روز افزون  
 عساکر باشهامت افغانی از بارکها ، قرارگاهها و پوستانه های  
 تحت کنترل قوای روسی با همه تدابیر شدید امنیتی که  
 بمنظور جلوگیری از فرار آنان اتخاذ گردیده است ، دال  
 بر آن نیست که بارکهای عسکری زندان اند ، قرارگاهها و  
 پوستانه ها زندان است ، همه جازندان است .

مخصوصاً شهرهای محکوم با که کمر بند های متعددی  
 از پوستانه های امنیتی در اطراف آن احداث شده است از  
 رفت و آمدها جلوگیری میشود ، در داخل شهر در هر چند  
 قدمی مردم تلاشی میشوند ، تحت عنوان تفتیش ، پاکسازی  
 و رفع شکوک و شبهات پس از هر چند روزی عساکر روسی  
 و اذناش به خانه های مردم در آمده به آبرو و عزت مردم  
 هتک حرمت میکنند .

در همه جا اختناق است ، همه در خوف اند هر لحظه بی

را بسایسم و ترس سپری میکنند، که مبادا بچنگال خاوندوی  
نیفتند، مورد خشم خاد قرار نگیرند، همسایه اش سازمانی  
نباشد و بلای برسر او نازل نکند؛ خانه اش تفتیش نشود،  
بخدمت عسکری سوق نشود، بعنوان مدافعین انقلاب، به  
جنگ نفرت انگیز، علیه ملت خود وادار نگردد.

جنرال نجیب بمن بگو! حزب دیموکراتیک خلق  
در جریانات افغانستان چه نقشی را بعهده دارد، چه کاری  
را بدون دستور آقای روسی اش میتواند انجام دهد؟ چه  
صلاحیتی برایش باقی مانده است که به صلح، آشتی ملی و  
آتش بس دعوت میکند؟! تو را به قبر لینن و به سربرک  
استاد قسّم، که آیا در آئینه انجام تیره کی، امین واستادت  
برک، آینده ات را مشابه به آنان و خیم و تاریک نمی  
های؟

من بگو! آیا در مسانور اخراج شش غنم روسی  
(که در مقدمش برک های گل شمار کردی) از تو  
پرسیده اند؟! آیا احدی از اعضای کابینه ات را در  
جریان گذاشته اند؟ مگر برای اولین بار از بیانیّه  
گورباچوف در ولادی واستک ازین تصمیم روسها اطلاع

نا بهنگام بگوشت نرسید؟ راستش را بگو! برای تکان دهنده  
 نبود؟ مگر سفر اخیرت به مسکو که متعاقب سفر سرکرتار  
 وزارت خارجه پاکستان صورت گرفت، و با عجله عجیب  
 و بی سابقه یی چون ماسور عادی سفارت شوروی بمسکو  
 احضار شدی به نحوی که امروز احکام شرفیابی  
 بحضور گورباچوف صادر شد، شب در رادیو کابل اعلام  
 گردید و فردا با همه اعضای مهم کابینه بشمول صدر اعظم،  
 وزیر دفاع، وزیر خارجه، وزیر داخله و سائر وزراء بسوی  
 مسکو ب حرکت میفتی و تا آخرین لحظه یی شرفیابی اطلاعی  
 نداری که موضوع بحث چیست؟ و چرا بشکل فوق العاده  
 احضار شده ای، راستش را بگو! آیا تا آنجا در گوشه و  
 کنار دل هر یک تان همه اعضای وفد این خدشه و وسوسه  
 وجود نداشت، که مبادا به انجام سلف تان روپرو نشوید،  
 مخصوصاً که مشاهده کردید در میدان هوایی مسکو  
 افرادی بسوی وزیر خارجه باستقبال تمان آمده، رئیس  
 جمهور، منشی حزب کمونیست خلق، حزب دیموکراتیک  
 خلق افغانستان، اعضای مهم کابینه یک کشور دوست  
 بمسکو سفر میکنند ولی باستقبالش کسی به سویه وزیر خارجه

میآید !! ولی زمانیکه وزیر خارجهٔ روس با افغانستان  
 میآید ، نجیب با اعضای مهم کابینه اش با استقبال میرود.  
 نما نجیب مهاجرین افغانی را مخاطب قرار داده ،  
 از آنان دعوت میکند که به کشور شان برگردند ؛ مگر چه  
 تغییری رخ داده است که سلسله هجرتها و آوارگها پایان  
 بیابند و مهاجرین با اطمینان و آبرومندی به کشور شان  
 برگردند . آیا قوای روسی از کشور ما خارج شده است تا  
 مهاجرین برگردند ؟! آیا بساط حکومت مزدور روسی جمع  
 گردیده تا مردم ما نفس آرام بکشند و با اطمینان باینکه  
 عامل فاجعه منتفی شده است و پس از این درگیریهای  
 مسلحانه خاموش خواهد شد ، به خانه های ویرانشان  
 برگردند ؟! مردم مؤمن ما که بخاطر آزادی کشور ،  
 بیرون راندن قوای اجنبی و تشکیل حکومت اسلامی  
 قیام نموده ، دشواریهای جانساک و جانفرسای این جنگ  
 طولانی را متحمل گردیده ، در برابر محرومیتها ، آوارگها ،  
 جراحتها و شهادتها صبر نموده اند ، نمیدانم کدام یکی از اهداف  
 ملت مجاهد ما تحقق یافته است تا از ادامهٔ مقاومت منصرف  
 گردیده ، و سلاحش را بر زمین بگذارند ؟

بجای خطاب به مهاجرین باید نجیب قوای شوروی را مخاطب قرار داده بایشان بگوید که تا کی بمباریهای وحشیانه ، تا کی کشتارها و ویرانگریها ، تا کی اخراج مردم از خانه ها و کلبه هایشان ؟ باید بخود و رفقایش بگوید که تاکی در خدمت روسها ، تاکی غلامی اجانب ؟ تاکی دشمنی بنا ملت ؟ بس است ، از سر این مردم دست بردارید.

مگر صحنه های غم انگیز مهاجرتهاى دسته جمعی مردم ، ضمیر این عناصر سنگدل را تکان نمیدهد ، به کاروان های مهاجرین مظلوم نمینگرند ؟! که خانه های شان در نتیجه بمباریهای وحشیانه ویران گردیده ، مزارع شان به آتش کشیده میشود ، همه چیز شانرا از دست داده اند ؛ ناچار به فکر سرپناهی ، برای لقمه نانی ، بسوی کشورهای همسایه هجرت میکنند . ولی قوای وحشی روس و مزدوران بی عاطفه اش ، آنها را آرام نگذاشته ، با هلیکوپتر های گن شپ و سو SU-25 تعقیب گردیده قدم بمبارد میشوند . کماندوهای سپست ناتز روسی در سر راه شان کمین میکنند . اطفال ، زنان و پیر مردان شان ، با بیرحمی

و قساقی که تاریخ نظیر آنرا بخود ندیده است بطور دسته جمعی به قتل میرسند .

اما زمامداران کابل بجای آنکه اشک بریزند ، ترحم کنند، سلسله بمباری های وحشیانه قراء و دهات را متوقف سازند ، و از حملات ناجوانمردانه ، بر کاروانهای پیدفاع مهاجرین جلوگیری کنند، با الفاظ اهانت آمیز به مهاجرین میگویند : مراجعه به ادارات کشور های خارجی و انتظار در دفاتر مامورین اجنبی بس است.

چه سفسطه‌ی مضحکه آمیزی، چه کسی را میتوان با این حرف های بی محتوی فریب داد ؟ چه کسی نمی داند که عامل این آوارگی ها چیست ؟ و چه کسی ملتی ما را با همه عزت النفس ، با استغنا و سربلندی اش به دیگران محتاج ساخت ؟

عجیب تر اینکه نجیب جنگ جاری در افغانستان را چون جنگ میان دو گروه مسلمان شمرده به صلح و آشتی میان آنان اصرار میورزد، در حالیکه جنگ مذکور میان قوای روسی که در پی اشغال کشور ما و تحمیل رژیم مزدور شر بر ملت ما و میان ملت مجاهد ما که نمی خواهند به غلامی تن دهند و زیر

مایه نظامی جهنمی کمونستی ، زندگی کند، ادامه دارد.  
 اگر در پهلوی قوای متجاوز، کسی از افغانها بجنگد  
 او یا اصلاً افغان نیست و ایمانی ندارد؛ و یا فرد مجبور است  
 که از خانه ، دفتر ، صنف و کارگاه به اسارت گرفته شده و  
 به قطعات عسکری اعزام گردیده است، که در آنجا نیز  
 اطراف او را ماین فرش کرده اند تما از فرارش جلوگیری  
 نمایند ، در اثنای سوقیات جنگی و هجوم بر مناطق تحت  
 کنترل مجاهدین، نیز او را در جلو قشون روس قرار میدهند تا  
 از طرفی مواد سوخت جنگ باشند و از طرف دیگر، از بیم  
 قوای روسی و ضربه کلکوف تفنگداران بیرحمش، که در خط  
 عقبی موضع گیری میکنند ، ناچار بجلو بروند و اکراها  
 به جنگ پردازد.

نمیدانم کجای این جنگ ، از چه رهگذری جنگ  
 میان دو گروه مؤمن بحساب میآید که جنرال نجیب  
 با استناد به آیات قرآنکریم ، در حالیکه از تلفظش نیز  
 عاجز است چه رسد به فهم آن ، به آیات قرآن عظیم  
 الشان استناد میکنند ، در پی اثبات این ادعای میان تهی  
 است، شکی نیست که یکطرف قضیه را ملت مؤمن ماتشکیل

داده است، ولی به من بگوئید کدام طرف دیگر قضیه مسلمانان است، روسها یا حزب دیموکراتیک خلق افغانستان؟!

زعیم روسها، که فقط چندروز قبل، ماسورین دولتی و اعضای حزب را در تاشکند تهدید کرد که باید در مراسم مذهبی شرکت نکرد، باید بآدین به شدت مقابله نمود و عقیده به خدا را ریشه کن ساخت. و حزب خلق نیز که حزب کمونست از تیپ مسکواست و انکار از خدا و دین، الفبای مبارزه‌ای این گروه ملحد را تشکیل میدهد.

آیا روسها مسلمان شده اند و یا حزب خلق عقیده کمونستی را ترک گفته و در دیدگاهش تجدید نظر کرده است؟ نمیدانم کدام یکی از اینها مسلمان اند؟!  
برادران مجاهد!

انقلاب اسلامی ما در مرحله نهایت حساس و سرلشت سازی قرار دارد، که ایجاب میکند با احتیاط و حفظ هوشیاری حرکت کنیم. توطئه های دشمن مسکار را شناسائی نموده در نطفه خنثی کنیم از ایجاد خوشبختی های گمراه کننده و امیدواری های کاذب و سراب گونه جلوگیری نمائیم، نگذاریم در نتیجه مانورهای فریبنده دشمن در صفوف



ملت مجاهد ما انعطاف در برابر دشمن و روحیه قناعت، بر راء حل  
 های شکلی، مقطعی و قلابی بوجود آید و بدین ترتیب آنچه راطی  
 جنگ طولانی (۴ . ۱ ماهه)، در نتیجه قربانیهای بی نظیرو بی سابقه  
 کسب کرده ایم، مبادا، در آخرین لحظات پیروزی ببازیم.  
 دشمن مکار پس از آنکه دریافت، سرکوبی این ملت در  
 میدانهای جنگ ممکن نبوده، اعمال قوه، تشدید خشونتها  
 و ازدیاد واحدهای جنگی، نتایج دلخواه شان تحویل نداده  
 میخواهد از طریق دیگری وارد شود و آنچه را که  
 نتوانست با جنگ حاصل کند، با مانور های فریبنده سیاسی  
 بدست آورد.

هر نهضت انقلابی در مسیر مبارزه اش از چنین مراحل  
 حساسی گذشته است، کسانی که در این مرحله از مبارزه  
 بجای تداوم آن به سازش متوسل گردیده، شکار عجله شده  
 خوشبختی و امیدواری های کاذب او را فرا گرفته، همه قربانیهایش  
 بهدر رفته است. مثال انقلاب ملت مسلمان الجزائر پیشروی  
 ماست که ملت تحت درفش اسلام یک میلیون شهید داد،  
 ولی در پایان امر، در آخرین لحظات پیروزی بدلیل  
 توافق با حمل سیاسی و تشکیل حکومت قومی و وطنی،

نه تنها اهداف انقلاب تحقق نیافت، بلکه در نتیجه قدرت به کسانی انتقال یافت که هیچ رولی در انقلاب نداشتند. ما با در نظر داشت تجارب تلخ تاریخی، به تداوم مقاومت تا لحظه‌ای اصرار می‌ورزیم که نیروهای متجاوز بلاقید و شرط از کشور ما خارج گردیده و بر فراز کشور مستقل و آزاد ما پرچم اسلام در اهتزاز آید.

صلح و آتش بس در اثنای حضور نظامی روس در افغانستان یک سازش ننگین و نابخشودنی بوده نه خداوند (ج) آنرا می بخشد و (۱، ۱) میلیون نه شهدای عزیز ما آنرا عفو می‌کند.

ما برای حل بحران افغانستان و خاتمه جنگ و خونریزی و احاده صلح و امن در این کشور راه حلی پیشنهاد میکنیم که دارای سه بند اساسی است :

- ۱- اخراج بلاقید و شرط، فوری و کامل قوای روس.
- ۲- تشکیل حکومت موقتی که مورد تأیید ملت مجاهد ما بوده، زمینه را برای انتخابات فراهم سازد.
- ۳- تأسیس حکومت اسلامی منتخب در نتیجه انتخابات آزاد.

در جهت تطبیق عملی این راه حل، تضمینات آتی را  
مجاهدین فراهم خواهند کرد :

۱- عفو عمومی در مورد کسانی که به آغوش ملت  
بر میگردند، از گذشته ها اظهار ندامت نموده به جبران  
آن میپردازند و اخلاص شانرا در عمل ثابت می کنند .

۲- عدم تعرض بر آن قسمتی از قطعاتی نظامی روس  
که کشور ما را ترک می نمایند، در صورتیکه این خروج  
طبق توافقی قبلی باشد .

۳- پس از خروج قوای روسی کشور ما پایگاهی نظامی  
ابر قدرت دیگری نخواهد بود .

۴- تأسیس حکومت اسلامی آزاد، مستقل و بی طرف  
و غیر وابسته .

۵- سعی برای اعاده امنیت و صلح در کشور و در  
مجموع منطقه .

کسانی که این طرح را با ما نپذیرد، در صورت عدم  
توافق با این طرح در برابر کسانی که بخواهند با اعمال قوه  
و در نتیجه سازش و توطئه به عزایم شوم خود برسند،  
اعلان میکنیم که : در آنصورت شعار ما کسه فرد فمرد

مجاهدین در همه افغانستان بطور مسلسل زمزمه خواهد کرد و در روشنائی آن به مبارزه مسلحانه شان تداوم خواهد بخشید اینها اند ؛

تا روس در کشور ما است - شمشیر برهنه بر سر ما است  
 جنگ سپر ما است - جنگ هنر ما است  
 ادامه جهاد مسلحانه - تا اخراج قوای بیگانه  
 جنگ تا آزادی - صلح پس از پیروزی  
 چون روس بر آید - جنگ به سر آید

- ما به چیزی کمتر از ایجاد حکومت اسلامی بدست  
 مجاهدین، در افغانستان آزاد و مستقل راضی نخواهیم شد .  
 - تا زمان اخراج کامل، بلا قید و شرط و فوری قوای  
 روس سلاح خود را بر زمین نخواهیم گذاشت .

- در اثنای حضور نظامی روس، توقف جنگ حتی برای  
 یک لحظه محدود را نیز جرم تلقی نموده به شدت محکوم  
 میکنیم ، تایک فرد قوای بیگانه در کشور ما وجود دارد  
 جنگ ما بدون توقف و تأخیر ادامه دارد .

بیانید درین روز تاریخی یکبار دیگری در برابر خدا  
 و ملت به این عهد تاریخی خود وفا کنیم و مکرراً تکرار

کنیم ، همه یکبار دیگری تعهد کنیم . من این تعهدات را تکرار میکنیم به پښتو و فارسی کسانیکه موافق اند که با خدای شان و در برابر ملت شان با این تعهد عمل کنند دست های خود را بلند خواهند کرد .

ما به چیزی کمتر از حکومت اسلامی در افغانستان آزاد و مستقل راضی نخواهیم شد .

«نخواهیم شد - حضار»

تازمان اخراج کامل ، بلا قید و شرط و فوری قوای روس سلاح خود را بر زمین نخواهیم گذاشت .

«نخواهیم گذاشت - حضار»

در انهای حضور نظامی روس توقف جنگ برای یک لحظه محدود را نیز جرم تلقی نموده ، به شدت محکوم میکنیم تا یک فرد قوای بیگانه در کشور ما وجود دارد ، جنگ ما بدون توقف ادامه دارد .

«ادامه دارد - حضار»

- باور داریم که انشاءالله قداوم جهاد مسلحانه ملت ما ، سر انجام نیروهای متجاوز را وادار خواهد کرد ، تا بدون قید و شرط از کشور ما خارج گردد .

ما نسبت به پیروزی محتوم جهاد اسلامی مات  
 مؤمن خود کاملاً متیقنیم ، و در آن شک و شبهه نداریم  
 وضع جهاد که امسال پس از هشت سال و هشت ماه  
 بجز از هر سال دیگری بوده ،

وضع سنگر های مستحکم مجاهدین و عزم و اراده  
 راسخ آنان و ثبات و استقامت شان ما را نسبت به آینده  
 روشن مطمئن میسازد .

- شکست های مسلسل قوای روسی در میدان های  
 جنگ و تلفات روز افزون شان به ما اطمینان میدهد .  
 وضع پریشان حزب خلق و پرچم و مورال ضعیف تفنگداران  
 بی هدف دشمن گواهی میدهد که روسها چاره دیگری جز  
 اخراج قوایش از افغانستان نخواهد یافت .

روسها از اشغال افغانستان مأیوس اند ، برای اولین  
 بار است که اعتراف میکنند ما به فکر ادامه ماندن قوای  
 خود در افغانستان نیستیم . روسها از اشغال افغانستان  
 مأیوس اند و از ادامه جنگ خسته ؛ آنها جهنم خود  
 می پندارند . چنانچه نجیب گفت : جنگ جهنم است ،  
 جنگ دوزخ است ، و دوزخ جای گنهگاران است .

آری ! جنگ برای شما و همه کسانی که به نفع  
باطل می‌جنگند، جهنم است دوزخ است ولی مسلمان مجاهد که  
برای پیروزی و غلبه حق می‌جنگد، برای آزادی کشور خود  
می‌جنگد، معتقد است که :

جنت زیر سایه شمشیر هاست .

جنگ دوزخ شمامست، ولی جنگ وسیله رفتن مجاهد  
مؤمن به بهشت است .

جنت مجاهد زیر سایه شمشیرها است ؛ ولی جنگ

برای نجیب و حزب خلق و پرچمش دوزخ است .

انشاء الله با مردی و را دمردی ملت مجاهد ما به  
گرباچوف نیز خاطره کلا دستون صدراعظم وقت انگلستان  
را پیاد خواهد آورد که در جواب سؤالی مبنی بر اینکه  
چه دلیلی وجود دارد که قوای انگلیسها همه دنیا را  
فتح کردند ؛ ولی قادر نشد چند قبیله بی سلاح الفسانی را  
تسلیم کنند و به انقیاد وادار بسازد .

از صدر اعظم انگلیس در وقتش پرسیده میشود که چه  
دلیل وجود دارد ، قوای انگلیسها از سرکوبی چند قبیله  
بی سلاح افغانی عاجز شد ، در حالیکه همه دنیا را فتح

کرد ؟ در جواب میگوید :

درباره مردمی که جنت را از میله تفنگ های شان  
می نگرند چه میتوان گفت : و چه میتوان کرد ؟ !  
امیدواریم که بالاخره روسها هم برای توجیه  
شکست شان در افغانستان، جواب کلاستون صدر اعظم  
الکستان را تکرار کند .

فردای پیروزی قریب است، ولی منتظر صبر و استقامت  
ماوتو است . فردای پیروزی قریب است ولی بشرطی  
صبر و استقامت من وتو «ان موعدهم الصبح، الیس الصبح  
بقریب»

باور داریم که صبح پیروزی قریب است، مطمئنیم که خدای  
شکور قربانی های بیدریغ ملت ما را حبط نخواهد کرد .  
به امید فردای روشن ، به امید پیروزی اسلام .

الول لولی هذا استغفر الله لی ولکم

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



ARIC

B

4.3832

HEK

2015

## راه حل ما:

- ۱- اخراج بلا قید و شرط، فوری و کامل قوای روس
- ۲- تشکیل حکومت موقتی که مورد تایید ملت مجاهد را برای انتخابات فراهم سازد \*
- ۳- تأسیس حکومت اسلامی منتخب در نتیجه انتخابات آزاد \*

## ضمانتها:

- ۱- عفو عمومی در مورد کسانی که به آغوش ملت برمیگردند. از گذشته ها اظهارندامت نموده به جبران آن پردازند و اخلاص شان را در عمل ثابت کنند \*
- ۲- عدم تعرض بر آن قسمتی از قطعات نظامی روس که کشور ما را ترک مینمایند، در صورتیکه این خروج طبق توافق قبلی باشد.
- ۳- پس از خروج قوای روس کشور ما پایگاه نظامی ابر قدرت دیگری نخواهد بود \*
- ۴- تأسیس حکومت آزاد، مستقل، بی طرف و اسلامی \*
- ۵- سعی برای اعاده امنیت و صلح در کشور و منطقه \*

حزب اسلامی افغانستان

جنگ تا آزادی  
صلح پس از پیروزی

ادامهٔ جهاد مسلحانه

تا اخراج قوای بیگانه

چون روس بر آید

جنگ به سر آید

جنگ سپر ما است

جنگ هنر ما است

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وكفى و سلام على عباده الذين اصطفى  
و بعد :

لأعوذ بالله من الشيطان الرجيم .  
«فلا تهنوا وتدعوا الى السلم وانتم الاعلون والله  
معكم ولن يتركم اعمالكم .

«صدق الله العظيم»

برادران مجاهد و مهاجر ، هموطنان عزیز و برادران  
انصار !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته .  
از روزیکه آفت کمونیزم بر کشور ما سایه افکنده  
است ، تا حال که ۱۰۴ ماه از آن می گذرد ، ملت ما لحظه  
آرامی را بخود ندیده است .

کمونیسم پیام خون و آتش بود !  
کمونیسم مایه مرگ و ویرانی بود !  
هرچم سرخ کمونیسم ، همه این خونریزیها و ویرانگریها  
را از ابتداء اعلام می کرد ، از همان روزیکه این هرچم ننگ  
و جنگ در کشور ما بلند گردید

در مدت هشت سال و هشت ماه گذشته، در هر ۴ دقیقه  
یک نفر هموطن ما به شهادت رسیده است .

در هر ۵۴ ثانیه یک نفر از کشور هجرت کرده است ؛  
در هر ۱۲ دقیقه یک نفر به ملول های تاریک زندان  
کشانده شده و مورد شکنجه و تعذیب قرار گرفته است .  
مراسر کشور سرسبز و شاداب ما، امروز به ویرانه‌ی  
در آمده است که و جب و جیش به خون شهداء سرخ است .  
قریه ی وجود ندارد که شاهد خانه ویرانی نباشد  
فامیلی نمانده است که دارای شهید و زخمی و یتیم و  
بیوه ای نبوده و به نحوی از انحاء از این جنگ مسلسل و  
طولانی صدمه ندیده باشد .

کسانی که از انقلاب سرخ صحبت میکردند !!  
از سرکوبی نظام طبقاتی و احیای حقوق کارگر و بزرگ  
صحبت میکردند !!!

همینکه به کومک قوای سرخ شوروی به قدرت  
رسیدند، خانه کارگر و کلبه محقر بزرگ را قبر او، قریه اش  
را قبرستان او و جامه ژنده و ژولیده اش را کفن او  
ساختند؛ و به مردم ما بجای نان، بم و باروت هدیه کردند.

و همین ها بودند که چون وسیله‌ی در دست‌نیروهای متجاوز و اجنبی قرار گرفتند .

در واقع، جنون کشور گشائی و توسعه طلبی روس باعث شد تا این فاجعه دردناک و خونین در کشور ما براه ییفتد . روسها بخاطر تحمیل گروه مزدور «خلق و پرچم» که ملت نمی‌پذیرفت، در امور داخلی ما تشبث نمود و چون ملت ما از اقیاد در برابر عوامل فرومایه روس ابا و ورزید، دست به سلاح برد . قوای متجاوز روسی به کشور ما هجوم آورده و این جنگ طولانی را باعث شدند .

آنچه مسلم است این جنگ بر مردم مظلوم ما تحمیل شده است .

تجاوز روسها و ادامه حضور نظامی اش در افغانستان حامل یگانه آغاز این جنگ و تداومش بوده است .

تا زمانیکه قوای روسی در افغانستان حضور دارد، هیچ چیزی نمیتواند جلو ادامه جنگ را سد کند .

وجود قوای روسی در کشور ما ، چون شمشیر برهنه ایست بر مردم ملت ما که حیات، عزت و شرفش را تهدید نموده، آزادی اش را سلب می‌کند ، او را وادار می‌سازد تا

بخطرات دفاع از حیات، عزت، شرف و آزادی خود به جنگ  
متوسل شود.

صرف با اخراج قوای روسی، سلسله جنگ، خونریزیها  
و ویرانگری ها درین کشور خاتمه مییابد.

اگر امروز قوای روسی از کشور ما خارج گردد،  
فردای آن صلح و امن بدون تأخیر و درنگ، به کشور  
ما بر می گردد.

ملت مؤمن و آزادیخواه ما، کسه در طول تاریخ  
به غلامی و اسارت دیگران تسلیم نشده و نیروهای اجنبی  
را در کشور خود تحمل نکرده، وجود قوای روسی را  
در افغانستان، در هر صورتی مترادف با ادامه جنگ از  
طرف روسها میپندارد؛ هر چند میله تفنگ سپاهیان  
قوای اجنبی بسوی زمین خم باشد و بیرق های سپید صلح  
بر فراز گامهای شان بلند باشد.

اگر روس و اذلاباش، خواهان حل قضیه افغانستان،  
توقف خونریزی ها و طرفدار صلح و امن در کشور ما و  
مجموع منطقه باشند، باید قوای روسی، بیسدرنگ و  
بلا تأخیر، بدون توسل و بهانه جویهای مضحکه آمیز







موقف ما  
و  
جریانات اخیر

حکمتیار

بسم الله الرحمن الرحيم

تا روس در کشور ما است  
شمشیر برهنه بر سر ما است

موقف ما

و

جریانات اخیر

حکمتیار



## مشخصات کتاب

نام کتاب : موقف ما و جریانات اخیر

سال نشر : جدی ۱۳۶۵

تیراژ : ۱۰۰۰۰ جلد

ناشر : کمیسیون ارشاد فرهنگ

مدیریت تألیف و ترجمه

## یادداشت !

متن سخنرانی برادر حکمتیار امیر حزب اسلامی  
افغانستان که در کنفرانسی مهم و تاریخی ، در برابر  
دهها هزار هموطنان مجاهد و مهاجر ، برادران  
انصار و خبرنگاران کشور های خارجی ، بتاريخ  
۱۸-۱۰-۱۳۶۵ بمناسبت اعلام موقف حزب اسلامی  
افغانستان در رابطه «آتش بس !» و «آشتی ملی !»  
که از جانب روسها و حکومت مزدور کابل عنوان  
گردیده در مقر جهاد پوهنتون واقع در غند حضرت  
عمر فاروق «رض» ابراد نمودند که با شور و شوق  
انقلابی و پشتیبانی بیدریغ هموطنان شهادت شعار  
مان قرار گرفت ، مستقیماً از نوار پیاده شده است .